

## واکاوی چرخش جدید سیاست خارجی ترکیه در قبال خاورمیانه

جابر قاسمی<sup>۱\*</sup>

امیر علی مددی<sup>۲</sup>

### چکیده

با جلوس حزب عدالت و توسعه ترکیه به صندلی قدرت در سال ۲۰۰۲، لاجرم سیاست خارجی این کشور هم گام در مسیر نویی گذاشت که بر دو دکترین «تش صفر با همسایگان» و «عمق استراتژیک» استوار بود. اما از سال ۲۰۱۲ و همگام با قیام های مردمی در منطقه و جهان اسلام، سیاست خاورمیانه ای ترکیه از رویکرد پیشین عدول کرد و با مولفه هایی مانند افزایش درک تهدیدات، رقابت با سایر قدرت های منطقه ای، افزایش استفاده از نیروی نظامی و اتخاذ سیاست یک جانبه گرایی، همراه شد. این سیاست نو، منجر به تمرکز شدید بر امنیت ملی، تلاش برای استقلال استراتژیک بیشتر و نظامی شدن سیاست خارجی شده است. در باب این تحول، برخی پژوهش ها بر رویکرد توسعه طلبی نوعثمانی گری تاکید کرده، بعضی دیگر بیداری اسلامی و تحولات متعاقب آن را عامل چرخش سیاست خارجی ترکیه می دانند. تحقیقات دیگر بر کودتای سال ۲۰۱۶ و رقابت نخبگان سیاسی به عنوان ریشه های این تغییر می نگرند. اما این پژوهش در پاسخ به این پرسش که «ریشه های چرخش جدید سیاست خارجی ترکیه در قبال منطقه خاورمیانه از سال ۲۰۱۲ به بعد چیست؟»، با کاربست روش توصیفی-تحلیلی و اتخاذ نظریه پیوستگی جیمز روزنا، اقتدارگرایی اردوغان، دیوان سالاری حکومتی، محیط پرنش جامعه، باز تعریف نقش ترکیه در منطقه و تحول قدرت در نظام بین الملل را پنج مولفه اصلی و تاثیرگذار بر تغییر سیاست خاورمیانه ای ترکیه می داند. از میان مولفه های فوق، تغییر موازنه قدرت در سطح بین الملل و منطقه و افزایش جایگاه شخص اردوغان در ساختار قدرت، بیشترین تاثیر را بر سیاست خاورمیانه ای ترکیه داشته است. ابزار تحقیق، کتب و مقالات معتبر و دسته اولی بوده که از کتابخانه و وب سایت های اینترنتی تهیه شده است.

**واژگان کلیدی:** سیاست خارجی، ساختار بین المللی، خاورمیانه، ترکیه، نظامیگری.



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره یازدهم، شماره

سوم، شماره پیاپی

چهل و دو

پاییز ۱۴۰۰

صفحات: ۲۵۲-۲۲۵

۱. عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور بوشهر. نویسنده مسئول

\* ghasemi.j2008@yahoo.com

۲. دکتری رشته علوم سیاسی گرایش مسائل ایران، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۶

## مقدمه

هنگامی که اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ به قدرت رسیدند، سیاست خارجی ترکیه مورد بازنگری کامل قرار گرفت، به طوری که زمامداران این حزب، فرصت را غنیمت شمردند تا از سیاست خارجی سنتی ترکیه رها شده و نگاه خویش را بر خاورمیانه متمرکز کنند. طراح اصلی این رویکرد، احمد داود اوغلو<sup>۱</sup>، وزیر امور خارجه پیشین ترکیه بود که با دو دکترین «تنش صفر با همسایگان»<sup>۲</sup> و «عمق استراتژیک»<sup>۳</sup>، مبنای تغییر سیاست خارجی ترکیه در هزاره جدید را پایه گذاری کرد. در ابتدا، تنها هدف آنکارا ایجاد روابط مطلوب با همه همسایگان ترکیه بود و داوود اوغلو با بهره گیری از میراث سلف خود، اسماعیل جم<sup>۴</sup>، حزب عدالت و توسعه را به سمت عادی سازی روابط ترکیه با یونان و قبرس نیز هدایت کرد. با گذشت زمان، دکترین تنش صفر حتی رویکرد جاه طلبانه تری به خود گرفت: «حل و فصل همه اختلافات که مستقیم یا غیرمستقیم به ترکیه مربوط می شود». با این حال، در پی تحولاتی مانند بحران اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۸، بهار عربی، بن بست مذاکرات حزب عدالت و توسعه با کردها، تصفیه مخالفان داخلی و تغییر موازنه منطقه ای و قدرتهای جهانی، سیاست خارجی ترکیه در قبال منطقه خاورمیانه دچار تحولی اساسی شد و از سیاست «تنش صفر» فاصله گرفت و رویکردی را اتخاذ کرد که بر دخالت در کشورهایمانند لیبی، مصر، سوریه و عراق، بلندپروازی برای رهبری منطقه، استفاده از نظامی گری، ترجیح قدرت سخت بر قدرت نرم، فاصله گیری از اتحادیه اروپا، تلاش برای موازنه در رابطه با آمریکا و روسیه و چین و رویکردی مستقل تر در سیاست خارجی استوار بود. به این معنا، ترکیه در دوره بعد از ۲۰۱۲، بر شناسایی تهدیدها متمرکز شد و به استفاده از ابزارهای نظامی برای مقابله با آنها تمایل نشان داد و در نتیجه درصدد برآمد که به قدرت مادی و ایدئولوژیک منطقه ای، تبدیل شود. به عبارت بهتر، سیاست خارجی ترکیه بعد از این دوره، درصدد برقراری نظم جدید منطقه ای در جهت مقابله با چالش‌های

<sup>1</sup> Ahmet Davutoğlu

<sup>2</sup> Zero Problem with Neighbors

<sup>3</sup> Strategic Depth

<sup>4</sup> İsmail Cem

سیاست خارجی خود برآمد. تأکید بر جنبه های «تمدنی» نقش ترکیه در امور خارجی کاهش یافت و حرکتی همزمان با ارتقا بلند پروازانه ترکیه به عنوان «یک قدرت بزرگ» شکل گرفت. در این راستا، ترکیه بیشتر از قبل سیاست مشت آهنین را در قبال منطقه خاورمیانه در پیش گرفت؛ بطوری که بسیاری از منتقدان از نظامی شدن سیاست خارجی ترکیه و تغییر زبان سیاست خارجی آن و چشم پوشی از روش های دیپلماتیک مرسوم یاد کردند. با عنایت به مطالب فوق، پژوهش درصدد پاسخ به این پرسش است که ریشه های تغییر سیاست خارجی ترکیه در قبال خاورمیانه را باید در کجا جستجو کرد؟ قبل از ورود به مباحث اصلی و پاسخ به مساله تحقیق، برخی نوشته های مرتبط با موضوع به طور اجمالی بررسی خواهد شد تا هم یافته های پژوهش های دیگر در این زمینه تشریح شود و هم نوآوری و متمایزات این مقاله از نوشته های پیشین مشخص شود.

#### پیشینه تحقیق

دهقانی (۱۳۹۱)، موضوع «سیاست خارجی ترکیه در فرایند نوعثمانی گری و نوحلافت عثمانی» را بررسی کرده است. یافته های این پژوهش عبارتند از: استفاده از نظریه سازه انگاری برای تحلیل سیاست خارجی ترکیه، تأکید بر رویکرد عثمانی گری به عنوان سیاست خارجی اتخاذ شده توسط حزب عدالت توسعه، تمرکز بر انگاره های هویتی مشترک و تثبیت جایگاه ترکیه به عنوان میانجی در منازعات منطقه ای و فرامنطقه ای. برزگر و مفیدی احمد (۱۳۹۳)، «تاثیرپذیری سیاست خارجی ترکیه از روند اروپایی شدن» را تحلیل کرده و به این نتیجه رسیده اند که فرایند الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا بر سیاست خارجی این کشور تاثیر گذاشته و باعث تثبیت ارزش های نولیبرال اقتصادی، چندجانبه گرایی، دیپلماسی و قدرت نرم در دستگاه دیپلماسی آن شده است. این رویکرد همسو با راهبرد نوعثمانی گری حزب عدالت و توسعه است که برخلاف کمالیسم در عرصه داخلی به رواداری و در عرصه خارجی به دیپلماسی و نفوذ فرهنگی در ورای مرزها می اندیشد. دانش نیا، احمدیان و هاشمی (۱۳۹۲)، «تاثیرپذیری سیاست خارجی ترکیه از صورت بندی هویتی مبتنی بر سابقه تاریخی و فرهنگی خاص این کشور» را تحلیل کرده اند. یافته های تحقیق نشان می دهد در کنار دغدغه همگرایی ترکیه با غرب، روابط این کشور با مناطق ژئوپلیتیکی خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز،

بالکان و شمال آفریقا که قبلاً جزئی از امپراتوری عثمانی بوده، در اولویت سیاست خارجی جدید ترکیه قرار دارد. دهقانی فیروز آبادی و پور اسمعیلی (۱۳۹۷)، در مقاله «سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه: بنیان‌های محافظه کارانه، تجدیدنظرطلبانه و ایدئولوژیک» معتقدند سیاست خارجی ترکیه نه یک بعدی، بلکه به صورت همزمان دارای ماهیت چند گانه و چند بعدی است؛ به گونه‌ای که بعضی اقدامات و اهداف ترکیه بیانگر ماهیت محافظه کارانه در عرصه سیاست خارجی و بعضی دیگر، نشان دهنده ماهیت تجدیدنظرطلبانه و یا ماهیت ایدئولوژیک سیاست خارجی این کشور است. نست<sup>۱</sup> و استراند<sup>۲</sup> (۲۰۱۹)، در مقاله «سیاست خارجی ترکیه: ساختار و فرایندهای تصمیم‌گیری» معتقدند که بعد از تغییرات قانون اساسی در سال ۲۰۱۶، نهاد اصلی تصمیم‌گیرنده در سیاست خارجی، ریاست جمهوری است و نهادهای مختلف نقش مشورتی را ایفا می‌کنند. دیگر مولفه‌های تاثیرگذار بر سیاست خارجی ترکیه عبارتند از: محدودیت‌های اقتصادی، وضعیت ژئوپولیتیک، صف آرایی‌های منطقه‌ای و موضوع کردها. آلتونسیک<sup>۳</sup> (۲۰۱۹) در مقاله «تحولی نو در سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه: نامنی‌های داخلی و منطقه‌ای»، معتقد است که سیاست خارجی ترکیه در پاسخ به تحولات ساختاری منطقه‌ای و جهانی و همچنین حوزه داخلی تغییر کرده است.

این تغییرات، ترکیه را در ایجاد موازنه میان رابطه با آمریکا و قدرت روزافزون روسیه قرار داده است. با این حال ترکیه به هر دو طرف بی‌اعتماد است و از واگرایی شدید منافع خود با آنها آگاه است. به علاوه ترکیه در سوریه و لیبی به دنبال تعادل با محور عربستان سعودی و امارات متحده عربی در رقابت شدید منطقه‌ای است و در نتیجه سیاست خارجی جدید ترکیه، مبتنی بر رقابت صفر با سایر قدرت‌های منطقه‌ای، افزایش استفاده از نیروی نظامی، رفتارهای پرخطر و تلاش برای یک جانبه‌گرایی است. هائوگوم<sup>۴</sup> (۲۰۱۹)، موضوع «سیاست خارجی ترکیه تحت زعامت اردوغان: تحول در رویکرد بین‌المللی» را بررسی کرده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سیاست خارجی ترکیه در دوران رهبری اردوغان بخصوص بعد از کودتای ۲۰۱۶، تغییرات

1 Neset.

2 Strand

3 Altunsiik

4 Haugom

مهمی کرده است. این دگرگونی ها منجر به تمرکز شدید بر امنیت ملی، قاطعیت در اجرای سیاست ها، اولویت روابط مبتنی بر معاملات و تلاش برای استقلال استراتژیک بیشتر شده است.

علاوه بر پژوهش های ذکر شده، تحقیقاتی نزدیک به این مقاله هم انجام شده است. از آن جمله باقری دولت آبادی (۱۳۹۸) به «تبیین علل تغییر رفتار حزب عدالت و توسعه نسبت به کردهای سوریه براساس نظریه پیوستگی جیمز روزنا<sup>۱</sup>» پرداخته است. یافته های مقاله نشان می دهد که از میان پنج متغیر مدنظر جیمز روزنا (فرد، نقش، حکومت، نظام بین الملل و جامعه)، نقش دو متغیر فرد (اقتدارگرایی اردوغان) و نظام بین الملل، بر موضع ترکیه در قبال کردها بیش از سایر متغیرها تاثیرگذار بوده است. نوآوری این پژوهش نسبت به پژوهش های دیگر، استفاده از نظریه پیوستگی جیمز روزنا برای تحلیل سیاست خارجی ترکیه نسبت به خاورمیانه است. از میان تحقیقات ذکر شده، تنها مقاله باقری دولت آبادی به علل تغییر رفتار حزب عدالت و توسعه نسبت به کردهای سوریه ای منظر نظریه روزنا پرداخته است. نکته دوم آن که، این پژوهش وزن و جایگاه افراد، محیط داخلی، منطقه ای و بین المللی تغییر سیاست خارجی ترکیه در دهه اخیر را تحلیل می کند که کمتر پژوهشی این کار را انجام داده است.

رویکرد سوم، رویکرد تلفیقی است که از دو رویکرد قبلی استفاده کرده و به دنبال سنتزی از آن دو است. در این میان یکی از مهمترین نظریه پردازانی که با ارائه پیش نظریه سیاست خارجی خود و همچنین مدل پیوستگی سیاست خارجی، زمینه را برای اتصال دو سطح تحلیل خرد و کلان فراهم کرده، جیمز روزنا است. در همین راستا وی در سطح تحلیل خرد به چهار عامل فرد، نقش حکومت و جامعه توجه داشته و به این عوامل، عامل مهم محیط بین المللی را نیز در سطح کلان اضافه نموده است. (رسولی و میرحسینی، ۱۳۹۳: ۲۴۰). این پنج متغیر عبارت اند از:

۱. متغیر فرد: عبارت است از ویژگیهای انحصاری تصمیم گیرندگان که شامل تمامی جوانب تصمیم گیرنده و همان شخصیتهای سیاسی - اقتصادی است که جمع های کلان

را رهبری می‌کند. روزنا باور دارد که خصایص فرد بیشتر در کشورهای توسعه نیافته، تازه استقلال یافته و کوچک مطرح است که فاقد نقش های سازمان یافته و نهادهای بوروکراتیک بوده اند و در جوامعی که رهبران آن کمتر تحت نفوذ افکار عمومی و گروههای بانفوذ قرار دارند، اتفاق می‌افتد. این متغیر همه جنبه های تصمیم گیرنده یعنی ارزش ها، استعداد ها و تجربیات پیشین فرد را شامل می‌شود که گزینه های سیاست خارجی و یا رفتارش را از دیگر تصمیم گیرندگان متمایز می‌کند (Rosenau, 1971: 108-109).

۲. نقش: مجموعه دوم از متغیرهای مربوط به رفتار خارجی بدون توجه به ویژگیهای شخصی ایفاکنندگان نقش که تصمیم گیرنده ایفا می‌کند، ناشی می‌شود (Rosenau, 1971: 108). در واقع، متغیرهای وابسته به نقش عبارت است از تاثیرگذاری پست و مسئولیت بر رفتار مسئولان که به صورت شرح مشاغل و مسئولیت ها یا قواعد رفتاری مورد انتظار از آنان تعریف می‌شود. متغیرهای مربوط به نقش به دو صورت بر سیاست خارجی تاثیر می‌گذارند. نخست، از طریق ایجاد محدودیت رفتاری برای تصمیم گیرندگان و کاهش گزینه های آنان. دوم، شکل دهی به گرایش ها و رفتارهای گروهی و سازمانی خاص و مستمر از راه ایجاد رویه های مستمر و ثابت (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۸: ۷۶).

۳. **متغیرهای حکومتی:** مجموعه دوم از متغیرهای مربوط به رفتار خارجی، از نقشی که تصمیم گیرنده ایفا می کند، ناشی می شود. علاوه بر خصوصیات فردی و انحصاری، افراد در سمت حکومتی و جایگاه دولتی خود همواره واکنشهای متفاوتی از خود بروز می دهند. جایگاه افراد در ساختار حکومتی، وظایف و مسئولیتهای قانونی، حوزه و دامنه ی اختیارات، محدوده ی انتظارات و... بر نگرش فرد از جهان و تصمیم گیری های وی در عرصه ی سیاست خارجی تأثیر می گذارد (باقری دولت آبادی، ۱۳۹۹: ۱۳۳).

۴. **جامعه:** این متغیر به آن دسته از جنبه های غیرحکومتی یک جامعه اشاره دارد که بر رفتار خارجی تأثیر می گذارد. جهت گیری های ارزشی عمده یک جامعه، میزان وحدت ملی، میزان صنعتی شدن، گروه ها، انجمن ها و سازمان های غیردولتی، متغیرهایی هستند که در تعیین محتوای آرمان ها و سیاست های خارجی یک کشور مشارکت دارد (Rosenau, 1971: 108-109).

۵. **متغیرهای محیطی و یا بین المللی:** متغیر محیطی شامل جنبه های انسانی و غیرانسانی محیط خارجی یک جامعه یا هر کنشی است که در خارج روی می دهد و گزینه های سیاست خارجی تصمیم گیرندگان را مشروط می کند و تحت تأثیر قرار می دهد (Rosenau, 1971: 109). میزان تاثیرگذاری متغیرهای محیطی و بین المللی به طور مستقیم به میزان قدرت یک کشور بستگی دارد. در نظام بین الملل، سلسله مراتب غیر دستوری بازیگران بسته به نوع قدرت طلبی مطلق و یا نسبی و نیز حوزه فعالیت بین المللی، منطقه ای و محلی به پنج رده به هم پیوسته ابرقدرت، قدرت بزرگ، قدرت منطقه ای، قدرت کوچک و ریز قدرت تقسیم می شوند. تجربه عملی حاکی از آن است که دستیابی به اهداف بازیگران مذکور به طور فزایندهای از پایین به بالا میل به استقلال دارد. تحولات رفتار بین المللی قدرت کوچک، تحت سه اجبار داخلی، منطقه ای و بین المللی است. هر چه از پله های پایین، بالاتر می رویم، از میزان این اجبار کاسته می شود. هرچند ابرقدرتها هم از وابستگی مصون نیستند، اما میزان وابستگی آنها کمتر

است (سیف زاده، ۱۳۸۵: ۲۱۲). به اعتقاد روزنا در کشورهای مختلف میزان نفوذ هر یک از عوامل چهارگانه داخلی و عامل محیط بین الملل در شکل‌گیری و اجرای سیاست خارجی متفاوت است. به نظر روزنا میزان نفوذ هر یک از عوامل فوق به پنج عامل بستگی دارد؛ قدرت بازیگر که کشورها را به دو دسته ی بزرگ و کوچک تقسیم می‌کند؛ وضعیت اقتصادی بازیگر که کشورهای توسعه - یافته را از توسعه نیافته جدا می‌کند؛ ماهیت باز و بسته ساختار اجتماعی؛ رخنه پذیری و یا رخنه ناپذیری ساختار فرهنگی (باقری دولت آبادی، ۱۳۹۹: ۱۳۴).

جدول شماره ۱: متغیرهای دخیل در سیاست خارجی از منظر جیمز روزنا

کشورهای کوچک		کشورهای بزرگ				جغرافیا و منابع طبیعی		
توسعه نیافته		توسعه یافته		توسعه نیافته		توسعه یافته		وضعیت اقتصادی
بسته	باز	بسته	باز	بسته	باز	بسته	باز	
فرد	فرد	نقش	نقش	فرد	فرد	نقش	نقش	رده
نظام	نظام	نظام بین	نظام بین	نقش	نقش	فرد	جامعه	بندی
بین	بین	الملل فرد	الملل	حکومت	حکومت	حکومت	حکومت	متغیر
الملل	الملل	حکومت	جامعه	نظام	نظام	نظام	نظام-	
نقش	نقش	جامعه	حکومت	بین	بین	بین	بین	
حکومت	جامعه	فرد	الملل	الملل	الملل	الملل	الملل	
جامعه	حکومت		جامعه	جامعه	جامعه	جامعه	فرد	
غنا	کنیا	چکسلواکی سابق	هلند	چین	هند	شوروی سابق	آمریکا	نمونه

(Source: Roseau, 1971:113).

### دکترین جدید سیاست خارجی ترکیه:

سیاست جدید ترکیه در خاورمیانه با یک تغییر اعتقادی همراه بود. آموزه سیاست قبلی که به « عمق استراتژیک » مشهور شد، توسط احمد داود اوغلو ارائه شده بود. با برکناری داود اوغلو در سال ۲۰۱۶، زمینه برای تغییر در سیاست خارجی ترکیه هموار شد. دکترین جدید با این استدلال شروع می‌شود که نظم جهانی چند قطبی، در حال ظهور است و این امر به ترکیه‌ای نیاز دارد تا نه تنها جایگاه خود را درک کند، بلکه در این فضای جدید باید مستقل عمل کند. نخبگان حزب عدالت و



توسعه، تحولات موجود در ساختار جهانی و منطقه ای را به عنوان فرصت‌ها و محدودیت‌هایی برای ترکیه تلقی می‌کنند. آنها بر این باورند در شرایطی که نظم جهان قدیم در حال نابودی است و نظم جدیدی در حال شکل‌گیری است، ترکیه نمی‌تواند برای پیگیری منافع ملی خود فقط به اتحاد‌های سنتی اعتماد کند. از سوی دیگر، اتحاد ترکیه با ناتو، موشک‌های پاتریوت مورد درخواست آنکارا را فراهم نکرد و همچنین ایالات متحده یا فرانسه را متقاعد نکرد که با PYD / YPG در سوریه همکاری نکنند. این استدلال‌ها به این معنی بود که ترکیه نباید سعی کند سیاست‌های خود را در خاورمیانه با ایالات متحده یا اتحادیه اروپا هماهنگ کند. به همین ترتیب، برهان الدین دوران<sup>1</sup>، از چهره‌های دانشگاهی که رئیس اتاق فکر طرفداران دولت (سیتا) و عضو شورای امنیت و سیاست خارجی ریاست جمهوری است، استدلال کرده است که «اگرچه ترکیه اخیراً در بسیاری از مسائل خود را با روسیه همسو کرده است، اما این مانع آن نشد که ترکیه از روسیه در مورد سوریه یا ادلب به طور خاص انتقاد نکند.» (Duran2020:1).

با وجود همکاری نزدیک با روسیه در برخی موضوعات و موفقیت مسکو و آنکارا در مدیریت اختلافات و در نتیجه تقسیم رقابت آنها در سوریه، بی‌اعتمادی متقابل همچنان وجود دارد و به روشی مشابه روابط ترکیه و آمریکا، بحران‌ها اغلب فوراً می‌کنند (اگرچه هر بار آنها به نوعی حل شده‌اند). بنابراین، ایجاد تعادل بین ایالات متحده و روسیه به یکی از مهمترین جنبه‌های سیاست ترکیه در خاورمیانه و مدیترانه شرقی تبدیل شده است. این واقعیت در نوشته‌های نزدیکان به دولت عدالت و توسعه به یک موضوع ثابت تبدیل شده است. (Altunışık,2020: 14) به طور دقیق‌تر، آنها استدلال می‌کنند که در نظم جهانی در حال تکامل، ترکیه می‌تواند با هر یک از این بازیگران جهانی بر اساس منافع خود همکاری کند، اما هیچ‌یک از این روابط نباید ثابت تلقی شود. براساس این دیدگاه، ترکیه نمی‌تواند به نهادهای بین‌المللی، یک بلوک از کشورها یا حتی متحدان سنتی خود اعتماد کند. علاوه بر فضای نامشخص جهانی، حزب عدالت و توسعه تأکید می‌کند که شرایط منطقه‌ای،

1 Burhanuddin Duran.

تهدیدهای جدیدی را نیز به همراه دارد که در آنجا کشورهای بیشتری مشتاق استفاده از ابزارهای نظامی برای حل و فصل رقابت‌ها هستند که به راحتی درگیری - های جدید را دامن زده و باعث تشدید منازعات قدیمی می شود. در چنین شرایطی، ترکیه باید استراتژی‌های قوی برای مقابله با تهدیدها اتخاذ کند. به عنوان مثال، «دوران» استدلال کرده است که «آن دسته از سیاستمداران که خواهان بازگشت ترکیه به سیاست های قدرت نرم قدیمی خود هستند، در واقع بر اساس درک نادرستی که مربوط به دوران قبل از نارامی های عربی است، عمل می کنند و ترکیه را در تصمیمات سیاست خارجی خود «وابسته و منفعل» می دانند.» (Duran2020: 1). بنابراین، نخبگان سیاسی حزب عدالت و توسعه استدلال می کنند با اجرای یک دکترین سیاست خارجی جدید، ترکیه مستقل تر خواهد شد. این نقل قول از اردوغان که «ترکیه در سیاست خارجی خود مستقل است و برای امنیت خود از دیگران برای شروع عملیات اجازه نمی گیرد»، بیانگر تلاش برای استقلال در سیاست خارجی است (Insight Turkey, 2019: 4). از این منظر، نخبگان سیاسی حزب عدالت و توسعه، تغییر سیاست ترکیه در خاورمیانه را عمدتاً پاسخی به تغییرات ساختاری، منطقه ای و جهانی می دانند. سیاست خاورمیانه ای که از زمان خیزش های عربی به طور قابل توجهی تغییر شکل داده و چالش های مهمی را برای همه بازیگران به وجود آورده است. به طور کلی در گفتمان سیاست خارجی جدید، عنصر ترکیه ای فعال و مستقل به عنوان دال اصلی سیاست خارجی ترکیه ای مفصل بندی می شود و جایگزین گفتمان قبلی می شود که ترکیه ای منزوی را ترسیم می - کرد که توسط دشمنان و متحدان سنتی غیرقابل اعتماد احاطه شده بود. این روایت شبیه روایت دهه ۱۹۹۰ است و حداقل تا حدی پاسخی به احیای ترس و دشمنی - های قدیمی است و ریشه های آن به گذشته باز می گردد.

### مؤلفه های موثر بر تغییر سیاست خارجی خاورمیانه ای ترکیه

#### ۱- تحول ساختار سیستم بین المللی

میان ساختارهای نظم بین المللی و چگونگی تعریف منافع سیاست خارجی توسط دولت ها و عمل مطابق آن، رابطه ای عمیق وجود دارد. در این راستا، از سال های

آغازین قرن بیست و یکم، تقدم بازیگران غربی در سیاست بین الملل تحت تاثیر توانایی های فزاینده قدرت قدرتهای غیر غربی، به ویژه چین با چالش‌های شدیدی مواجه و زیربنای هنجاری نظم بین‌المللی لیبرال به رهبری آمریکا، با اما و اگراهایی روبرو شده است. براساس این فرایند، جهان در حال تحول است و این امر از زمان بحران مالی ۲۰۰۸ تسریع شده و در وهله اول، ایالات متحده آمریکا و بسیاری از اعضای اتحادیه اروپا را تحت تاثیر قرار داده است. حال آن که، تا سال ۲۰۰۸، ظهور چین در ملاحظات استراتژیک آمریکا مهم نبود و اتحادیه اروپا در اوج قدرت قرار داشت. به علاوه، در استراتژی‌های امنیت ملی آمریکا و در اولین سند استراتژی امنیتی اتحادیه اروپا (۲۰۰۳) به رقابت قدرت بزرگ و قطب ایدئولوژیک به عنوان تهدیدهای بالقوه برای نظم جهانی لیبرال اشاره ای نشده و غرب با تز پایان تاریخ فوکویاما<sup>۱</sup> ارام گرفته بود. (Ikenberry, 2017: 2-7).

اما این دیدگاه از سال ۲۰۰۸ تغییر کرد و از آن پس، در سرتاسر جهان بر سر ارزش های چند فرهنگی، تسامح و تساهل و حقوق بشر جهانی اختلاف رخ داده است. قدرت‌های غیر غربی و در راس آنها، چین و روسیه، به طور فزاینده‌ای مفهومی غیر غربی از نظم سیاسی بین‌المللی ارائه می‌دهند. عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها، تقدم حاکمیت دولت، تقویت هویت‌های ملی، سرمایه‌داری دولتی، حوزه‌های نفوذ، چند قطبی در حاکمیت جهانی، تقدم قدرت‌های بزرگ در روابط بین‌الملل، شیوه‌های تجارت مرکانتیلیستی، سرمایه‌گذاری در توانایی‌های قدرت نظامی، و استفاده بیشتر از ابزارهای قدرت اقتصادی از جمله مولفه‌هایی هستند که در دهه گذشته، از سوی رهبران روسیه و چین در اولویت قرار گرفته اند (Ukin, 2016: 91-112). به موازات تغییر در توانایی‌های قدرت مادی در سرتاسر جهان و چالش‌های فزاینده - ای که برای هنجارهای نظم بین‌المللی لیبرال ایجاد شده است، رویکرد سیاست خارجی واقع‌گرایانه و نگرانی‌های عملی در تعریف منافع ملی بیشتر از اقدامات اخلاقی - سیاسی و هنجاری بوده است. (Wilkins, 2012: 53-76) تمام این مولفه‌ها

1 Francis Fukuyama

نشان می‌دهد که ما اکنون در یک نظم جهانی چندوجهی زندگی می‌کنیم. این نظم جهانی، کشورها را با توانایی‌های مختلف به سمت اتخاذ استراتژی‌های سیاست خارجی چند بعدی سوق می‌دهد و در چنین شرایطی، فضای کافی برای قدرتهای در حال ظهور غیر غربی فراهم کرده تا قاطعانه عمل کنند و در سراسر جهان بیشتر نمایان شوند. (Oğuzlu, 2020: 130). همین امر به نخبگان حاکم در ترکیه کمک کرده تا نه تنها، استراتژی داخلی خود را به ویژه در دهه دوم قرن بیست و یکم ادامه دهند، بلکه در شکل‌گیری اولویت‌ها و رفتارهای جدید در سیاست خارجی این کشور نیز موثر واقع شده است. از یک منظر، تغییر نظم بین‌الملل به سمت سیستم چند قطبی در دهه گذشته، حاکمان ترکیه را ترغیب کرده که از یک سیاست خارجی چند وجهی و چند بعدی پیروی کنند. بنابراین ترکیه در جستجوی استقلال استراتژیک بیشتری برآمده و ضمن این که، همچنان قاطعانه به ناتو متعهد است، امیدوار است با تقویت روابطش با روسیه و چین در جهانی چند قطبی، جایگاه بهتری به دست آورد. به طوری که استقرار موشک‌های ساخت روسیه در خاک ترکیه اگرچه موجب نگرانی متحدان غربی می‌شود، اما نگرانی‌های روسیه در مورد محاصره ناتو را کاهش داده و موجب بهبود روابط دو طرف شده است. افزایش همکاری آنکارا با پکن نیز بازتاب کاهش سیاست خارجی تمرکزگرایانه ترکیه است. شاهد آن که، هر چند ترکیه در سال ۲۰۱۵ و تحت تاثیر فشارهای ناتو، توافقنامه خرید سیستم موشکی با چین را لغو کرد، اما همچنان روابط نزدیکی با این کشور دارد» (Bora, 2016: 2).

## ۲- محیط منطقه‌ای متحول خاورمیانه

یکی از مولفه‌های اصلی تاثیر گذار بر سیاست خارجی ترکیه در دوره ۲۰۱۰ به بعد، خیزش‌های عربی دهه دوم قرن ۲۰ بود. در ابتدا، خیزش‌های عربی امیدها را در آنکارا برای احتمال گسترش نفوذ ترکیه در منطقه افزایش داد، اما تحولات پس از قیام، محدودیت‌های ترکیه در تلاش برای دستیابی به رهبری منطقه‌ای و توانایی آن برای تأثیرگذاری بر حوادث را آشکار کرد. «به ویژه پس از سرنگونی رئیس‌جمهور مرسی در مصر در سال ۲۰۱۳ و تحول سریع قیام سوریه به یک جنگ داخلی

طولانی مدت با درگیری قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، نخبگان سیاسی ترکیه، تحولات در خاورمیانه را به عنوان تهدیدهای جدیدی برای ملیت ترکیه، آرمان‌های امنیتی و منطقه‌ای خود تفسیر کردند. چنان‌که این کشور، از بی‌ثباتی در مرزهای خود با سوریه و عراق، از جمله حملات تروریستی و سیل گسترده پناهندگان، رنج می‌برد. همچنین ترکیه، مستقیماً درگیر جنگ‌های داخلی در سوریه و لیبی شده است و از نظر ژئواستراتژیک، خود را در منطقه‌ای یافته که مملو از ناآرامی‌های داخلی، تشدید خشونت، مداخلات نظامی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین درگیری‌های چندلایه و پیچیده‌ای بوده که قدرت کشورها و بازیگران غیردولتی درگیر در آنها مکرراً در حال تغییر است.» (Altunısık, 2020: 116).

بنابراین پس از بهار عربی، ترکیه پشتیبانی خود را از اسلامگرایان رادیکال به ویژه در مصر، تونس و سوریه، افزایش داد. (Aydın, 2014, 3) و در پی ظهور رژیم‌های منتسب به اخوان المسلمین در تونس و مصر، این تحول را گواهی بر صحت الگوی خویش دانست و همین امر موضع اولیه و سازش‌ناپذیر حزب عدالت و توسعه علیه بشاراسد در جنگ داخلی سوریه را تشویق کرد. (Tezcür, 2016, 9)

احساس سوار شدن بر روی موج تجدید و قدرت ایدئولوژیک مدت زیادی دوام نیاورد. جنبش النهضه تونس مجبور به عقب‌نشینی و سازش شد، کودتایی در مصر به حکومت رئیس‌جمهور مرسى پایان داد و با کمک ایران، بشار اسد ابقا شد. حمایت گسترده و آشکار از اخوان المسلمین در چندین کشور در خاورمیانه و شمال آفریقا به تدریج ترکیه را در برابر عربستان سعودی و امارات متحده عربی قرار داد. (Lynch, 2016, 44) این امر نشان‌دهنده یک گسست بارز از دوره قبل است که در آن ترکیه سعی می‌کرد روابط خوبی با کل منطقه ایجاد کند.

ترکیه به عنوان قدرت منطقه‌ای، شدیداً تحت تاثیر تحولاتی قرار گرفته که در نظام بین‌الملل و خاورمیانه اتفاق افتاده است. از یک سو، دگرگونی نظام تک‌قطبی به سمت نظام چندقطبی، سیاستمداران ترکیه را وادار کرد که تحت تاثیر این نظم نوین، بتدریج از همراهی تام با سیاست‌های آمریکا و اتحادیه اروپا فاصله بگیرند و ضمن برقراری روابط دوستانه و گرم با چین و روسیه به عنوان چالشگران قدرتهای

غربی، موازنه ای میان این دو طیف ایجاد کنند. در واقع، ترکیه کوشید تا در این محیط جدید، از وابستگی و بازی در میدان غرب اجتناب کند و در سیاست خارجی، الگویی مستقل تر و صد البته امنیتی تر اتخاذ کند.

خیزش‌های عربی هم باعث شد تا روابط ترکیه با قدرت‌های منطقه در منطقه خاورمیانه به صورت بازی با حاصل جمع صفر دنبال شود بطوریکه استراتژی قاطعانه همه قدرت‌های منطقه‌ای پس از قیام‌های عربی، منجر به رقابت شدید میان ترکیه با آنها برای دستیابی به قدرت و نفوذ شد. ترکیه ای که پیشتر به دنبال تنش صفر با همسایگان نبود، ناگاه سودای رهبری منطقه را در سر پروراند، از اخوان المسلمین در مصر و تونس تمام قد حمایت کرد، تصمیمی که با صف آراییی محور سعودی-اماراتی مواجه شد، در لیبی و در سوریه آشکار سیاست حذف اسد از قدرت را دنبال کرد. اما در این کارزار هم با مخالفت روسیه و جمهوری اسلامی ایران مواجه شد و با گذر زمان، خود را در این میدان یکه و تنها یافت و بتدریج از این سیاست تهاجمی دست کشید. بنابراین دگرگونی در هر دو محیط بین‌المللی و منطقه‌ای، سیاست ترکیه را چنان دچار چرخش کرد که از دخالت در مصر، لیبی، سوریه، قره باغ، قبرس و مدیترانه ابایی به خود راه نمی‌دهد و هر از گاهی با قدرت‌های غربی مانند فرانسه و آلمان و غیر غربی مانند روسیه به نزاع برمی‌خیزد.

### ۳- فرد: افزایش و تحول وزن و منش سیاسی اردوغان

متغیر فرد یکی از مهمترین مولفه‌های مورد تاکید جیمز روزنا در حوزه سیاست خارجی کشورها است. این متغیر شامل ویژگی‌های فردی، برداشت‌ها و تصورات و انگیزه‌ها، سبک‌ها رهبری و شیوه تصمیم‌گیری، جهان‌بینی و نظام باورهای تصمیم‌گیرندگان است. در این رابطه بررسی شخصیت و سبک رهبری رئیس‌جمهور اردوغان نشان می‌دهد که او تلاش می‌کند تا نیرویی فراتر از آنچه ترکیه واقعاً قادر به دستیابی به آن است، را نمایش دهد. گاهی اوقات او به دلیل تمایل به استفاده «بیش از حد از قدرت مستقیم» شکست می‌خورد، ولی ناخواسته به مخالفان خود نشان می‌دهد که چگونه باید واکنش نشان دهند. (Gurzel, 2014: 101) به نظر می‌رسد اردوغان اقتدار خود را فراتر از همه نهادها، مردم و عقاید می‌داند و

همانند بسیاری از رهبران سیاسی که دیپلماسی شخصی را اتخاذ می‌کنند، به نخبگان سستی کشور بی‌اعتماد است. به علاوه، این بی‌اعتمادی منجر به یک فرایند تصمیم‌گیری سلسله‌مراتبی در ترکیه می‌شود که باعث شده خارجی‌ها این کشور را به عنوان «ترکیه اردوغان» تعریف کنند و همین امر، منجر به رشد دیپلماسی شخصی در سیاست خارجی ترکیه شده است. (ÜLGÜL, 2019: 174).

براساس این دکترین جدید، که رسانه‌های ترکیه از آن به عنوان «دکترین اردوغان» نام می‌برند، ترکیه در امور منطقه‌ای نوع دیگری از کاربرد قدرت نظامی را برای تامین امنیتش به کار برده و تصمیم گرفته با استفاده از قدرت نظامی پیشگیرانه، سیاست امنیتی پیش‌فعالی را در خارج از مرزهای خود دنبال کند. در این چارچوب، لازم است که ترکیه سیاست یک‌جانبه‌گرایانه را اتخاذ کند و شرکای متحد خویش را نادیده بگیرد. عملیات نظامی ترکیه در عراق و سوریه از پاییز ۲۰۱۶، احتمالاً بهترین مصداق سیاستی است که توسط اردوغان طراحی شده بود. با این حال، سیاست نظامی آنکارا، تنها به این دو کشور محدود نشده و ترکیه با ایجاد پایگاه‌های نظامی در قطر و سومالی، و ارائه پیشنهادهای مشابه به سودان و جیبوتی، رویکرد نظامی‌گری را فرسنگ‌ها دورتر از مرزهایش دنبال کرده است (Haugom, 2019: 211). اگرچه تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ترکیه در چندین نهاد و در ساختارهای رسمی و غیر رسمی تقسیم شده، ولی رئیس‌جمهور مرجع اصلی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی شده است و نقش مشورتی به وزارت امور خارجه، کمیته امنیت و سیاست خارجی، شورای امنیت ملی، سازمان اطلاعات، مشاوران رسمی رئیس‌جمهور و همچنین ارتش ترکیه سپرده شده است و هیچ سلسله‌مراتبی برای سازماندهی این نهادها وجود ندارد و همه آنها مستقیماً اطلاعات خود را به رئیس‌جمهور ارائه می‌دهند. بنابراین، نهادهای نامبرده در بالا قدرت تصمیم‌گیری ندارند و تصمیمات در نهاد ریاست جمهوری و به صورت کاملاً شخصی توسط اردوغان، اتخاذ می‌شود. به علاوه، اردوغان مشاوران خود را نه بر اساس لیاقت، بلکه بر مبنای اعتماد و وفاداری شخصی انتخاب می‌کند. نزدیکترین یا پرکارترین مشاوران منصوب شده، همه به نوعی رابطه تاریخی با

اردوغان دارند. مانند هولوسی آکار<sup>۱</sup>؛ وزیر دفاع، هاکان فیدان<sup>۲</sup>؛ ریاست سازمان اطلاعات و امنیت ملی ترکیه، فوات اوکتای؛ معاون رئیس جمهور، (و همچنین داماد اردوغان)؛ که اردوغان به آنها اعتماد شخصی و نه نهادی دارد. به عبارت بهتر اگرچه روند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری سیاست خارجی یک حوزه «تخصصی» است، اما در ترکیه امروزی تحت تاثیر شخصیت اقتدارگرایی اردوغان، این روند نه بر اساس تخصص، بلکه بر مبنای تعهد به پیش می‌رود.

به طور کلی این ویژگی‌های اردوغان باعث شده تا تاثیرگذاری او در روند سیاسی ترکیه بخصوص در دوران بعد از تغییر سیستم سیاسی و کودتای ۲۰۱۶، افزایش یابد؛ پدیده‌ای که در تاریخ سیاسی مدرن ترکیه نادر است و حتی با وجود فرهنگ سیاسی ترکیه که به طور سنتی از رهبری غالب حمایت می‌کند؛ این روند در دوره جدید، شمایی دگر به خود گرفته است. این تحول، موجب تغییر روند سیاست خاورمیانه‌ای ترکیه در جهت تحقق خواسته‌های اردوغان به عنوان رهبر جهان اسلام و جایگزینی دیپلماسی شخصی با دیپلماسی عمومی شده است که از شواهد مهم آن می‌توان به نقش او در دخالت ترکیه در لیبی، جنگ قره باغ و سوریه و خرید اس-۴۰۰ اشاره کرد. (Barkey, 2020, 7) در واقع آنچه بر اساس متغیر فرد، سیاست خارجی ترکیه در قبال خاورمیانه را به پیش می‌برد آرزوهای شخصی اردوغان است، نه نگاه راهبردی آنکارا در این حوزه.

#### ۴-جامعه: محیط داخلی پرتش

سیاست خارجی ترکیه، تا حد قابل توجهی، نتیجه تحولات داخلی در ۸ سال گذشته بوده است. در این مدت سیاست خارجی ترکیه در قبال خاورمیانه دارای نوساناتی بوده است. بررسی این دوره نشان می‌دهد که سیاست خارجی این کشور به شدت تحت تأثیر پویایی داخلی قرار گرفته و عمدتاً در خدمت تحکیم حاکمیت حزب عدالت و توسعه و کنترل آن بر دولت ترکیه بوده است.

1 Hulusi Akar

2 Hakan Fidan



در دوره ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰ رقابت شدید بین جامعه مدنی و ارتش در ترکیه شکل گرفت. این امر به جنبش حزب عدالت و توسعه / گولن<sup>۱</sup> برای ادامه سیاست خارجی قدرت مبتنی بر جنبه های نرم افزاری در خاورمیانه و تلاش برای عضویت در اتحادیه اروپا و ایجاد شبکه های همکاری اقتصادی و نفوذ در سراسر کشور و منطقه کمک کرد. همین امر باعث شد تا جنبش عدالت و توسعه / گولنیست پایگاه‌های قدرت داخلی ارتش برای دستیابی به کنترل بر دولت ترکیه را تصاحب کنند. در این راستا سیاست خارجی اقتصاد محور و قدرت مبتنی بر جنبه های نرم افزاری، همزمان منافع فراملی جنبش گولنیستی را تأمین می‌کرد، و زمینه های اعتقادی و گرایش‌های اسلام‌گرایانه حزب عدالت و توسعه را نیز بسط می‌داد.

اما با شکل‌گیری روند جدایی دو گروه مزبور، روند تحولات سیاست خارجی نیز تشدید شد. جدال حزب عدالت و توسعه و جنبش گولنیست بر سر کنترل دولت ترکیه «مرحله دوم» دولت‌سازی ترکیه در قرن بیست و یکم بود (مرحله اول را به عنوان درگیری حزب عدالت و توسعه / گولنیست با ارتش ترکیه نام‌گذاری کردیم). این امر باعث تضعیف حزب عدالت و توسعه شد و مسلماً سیاست خارجی - منطقه ای ترکیه، را از محرک های مهم در لحظات اساسی محروم کرد، زیرا دولت تلاش می‌کرد تا با تهدیدهای ایجاد شده توسط جنبش گولنیست بین سالهای ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶، مقابله کند. آسیب های منازعه میان این دو گروه، درباره کردهای ترکیه و سوریه هم بود. زیرا حزب عدالت و توسعه با ترسیم کردهای ترکیه و سوریه به عنوان «دشمن»، برای پیروزی در انتخابات سال ۲۰۱۵ و همچنین تسخیر قلب و ذهن محافظه کاران ملی مذهبی ترکیه بهره گرفت و از این طریق توانست از چارچوب سیاسی و ذهنی تاریخی ترکیه در تعریف مشکل کرد به عنوان یکی از مصادیق تروریسم در جهت پیشبرد اهداف نظامی خود بود استفاده کند. از سوی دیگر حزب عدالت و توسعه رفته رفته روابط خود را ابتدا با لیبرال ها و سپس با جنبش سیاسی را به کناری نهاد. به علاوه، پس از کودتای نافرجام نظامی

1 Fethullah Gülen

در سال ۲۰۱۶، حزب موسوم به اتحاد مردم با حزب ملی گرای (MHP) تشکیل شد و سیستم سیاسی ترکیه هم به ریاست جمهوری با اختیارات گسترده تغییر یافت. این تحولات نه تنها سیاست خارجی را نظامی تر، ستیزه جویانه تر، امنیتی تر کرد، بلکه به تحکیم اتحاد ملی گرایانه بین حزب عدالت و توسعه و MHP نیز کمک کرده است. (Altunışık, 2020: 15). در واقع، اگر چه حزب عدالت و توسعه در دهه اول زمامداری بر ترکیه، ائتلاف گسترده ای از محافظه کاران مذهبی تا لیبرال ها و چپ ها را ایجاد کرد، ام هدف مشترک این گروه ها، به زیرکشیدن نخبگان قدیمی در راس قدرت و تلاش برای اصلاحات سیاسی، اقتصادی و قضائی و شتاب در جهت پیوستن به اتحادیه اروپا بود. اما بعد از دهه دوم هزاره جدید، حزب حاکم، به سازمانی تحت تسلط اردوغان تبدیل شد و عمدتاً توسط هواداران وفادار او کنترل می شود. این تغییر باعث شد تا اردوغان و حزب عدالت و توسعه، به سمت بسط تمایلات ملی گرایانه متوسل بشوند و چنین چرخشی بیش از همه در اتخاذ سیاست های امنیتی در مسئله کردها و پ.ک.ک. جامه عمل به خود پوشید (Ulgen, 2018:1). اما این تغییرات، صرفاً بر مساله کردها تاثیر نگذاشت، بلکه پیامدهای منفی دیگری هم بر سیاست خارجی ترکیه در منطقه خاورمیانه به دنبال داشت: یکم؛ سیاست خارجی متمایل به منافع اقتصادی متقابل و همزیستی، با سیاست تجدیدنظرطلبانه تر جایگزین شد. به طوری که ترکیه بسیاری از شبکه‌ها، اعتبارات و مزایایی را که تحت رویکرد «تنش صفر با همسایگان» جمع کرده بود قربانی کرد و به همین جهت نتوانست گروه های منطقه‌ای را که برای شکل دادن به نظم سیاسی «خاورمیانه جدید» تبلیغ می کرد، به قدرت برساند. (Erwin and Engin, 2018:20) دوم؛ سطح جاه طلبی سیاست خارجی ترکیه نسبت به خاورمیانه به طور قابل توجهی از سال ۲۰۱۵ به بعد تغییر یافت. بطوریکه از یک سیاست همکارجویانه اقتصادی، به سیاست تهاجمی و تحریک آمیز برای تغییر رژیم ها، از طریق حمایت از گروه های سنی وابسته، تبدیل شد. این رویکرد با تمرکز ویژه روی مهار کردها تشدید شد. سوم؛ با تمرکز تدریجی قدرت در دست رئیس جمهور اردوغان، میزان پیش بینی پذیری سیاست خارجی ترکیه را کاهش داد.

##### ۵- متغیرهای حکومتی: تغییر ساخت حکومت:

تصمیم ترکیه برای تغییر قانون اساسی و اتخاذ سیستم ریاست جمهوری در آوریل ۲۰۱۷، در توضیح تحول سیاست خارجی این کشور مهم است. یکی از انتقادات اصلی علیه سیستم پارلمانی در ترکیه این بود که موانع دیوان سالاری و جنجال های حزبی در پارلمان روند تصمیم گیری را کند کرده و از حاکمیت موثر جلوگیری می کند. از این منظر، مزیت اصلی سیستم ریاست جمهوری، تسریع در تصمیم گیری است که در دوره های بحرانی بسیار سریع عمل می کند. سیستم ریاست جمهوری همچنین، مانع از سردرگمی در مورد موازنه قدرت بین رئیس جمهور و نخست وزیر می شود و از آنجا که مسئولیت و قدرت به عهده رئیس جمهور است، او تمایل بیشتری دارد که به جای تکیه بر تاکتیک های مختلف و انتظار از دیگران برای پذیرش مسئولیت پذیری، خود به تنهایی با مشکلات موجود مقابله کند. به طور خلاصه، با انتخاب سیستم ریاست جمهوری، رئیس جمهور ترکیه بانفوذترین مقام در تصمیم گیری در سیاست خارجی ترکیه شد و بدین سان او از طریق روابط شخصی با دیگر رهبران، امکانات و قابلیت های بیشتری برای حل بحران ها دارد. این تحول، ساختار دولت در ترکیه را به طور گسترده تغییر داد، توانایی پارلمان در وضع قانون و پاسخگویی مجریان اجرایی محدود شد، نفوذ و قدرت ارتش، وزارت امور خارجه و خزانه داری که به عنوان سه ستون اصلی دولت ترکیه شناخته می شدند، به نحو قابل توجهی کاهش یافت، فضای عمومی جامعه مدنی و رسانه های مستقل محدود و منجر به رشد دیپلماسی شخصی و گسترش روابط ترکیه با روسیه، چین و قطر و عملی شدن ایده های شخصی رئیس جمهور شد. بطوریکه اردوغان درصدد بود خود را به عنوان امپراطوری عثمانی ترسیم کند و در راه رسیدن به این هدف، به لشکرکشی و مداخلات مستقیم روی آورده است. (Ulgul,2019: 170-172)

بطور کلی رژیم سیاسی جدید به گونه ای طراحی شده است که نسخه ای از قدرت دیکتاتوری مستقل را به صورت دائمی در اختیار اردوغان قرار می دهد تا بتواند رژیم سیاسی را بازسازی کند و مخالفت های سیاسی و جامعه مدنی را سرکوب

کند. (Yilmaz, 2019: 5) به عبارت دیگر، سیستم جدید ریاست جمهوری در ترکیه، حاکمیت یک نفره را به طور رسمی نهادینه کرده و این تحول، از نظر ساختاری و ماهیتی پیامدهای مختلفی برای سیاست خارجی ترکیه به همراه داشته و سیاست خارجی سنتی ترکیه، به ویژه جهت‌گیری غربی آن، تحت فشار اردوغان، که یک نقش بین‌المللی بزرگتر و قاطع‌تر برای ترکیه بخصوص به عنوان رهبر جهان اسلام متصور است، تضعیف شده و همین امر، لیست طولانی‌تری از مشکلات در روابط ترکیه با متحدان خود، به ویژه ایالات متحده را شکل داده است. در واقع، اردوغان و اعضای همراه او فکر می‌کنند که غرب در حال انحطاط است، جهان چند قطبی‌تر شده است و ترکیه نباید در تنوع متحدان خود تردید کند و در صورت لزوم باید با روسیه، ایران و چین همکاری کند. این دیدگاه، منجر به حضور مستقیم ترکیه در تحولات خاورمیانه شد و عمل‌گرایی بیشتری را در این حوزه به دنبال داشت. (Kirisci, 2019: 6-7)

#### نقش: بازتعریف نقش منطقه‌ای ترکیه

سیاست خارجی جدید ترکیه در خاورمیانه، تحت تأثیر نقشی است که نخبگان حزب عدالت و توسعه برای ترکیه تعریف کرده‌اند. از منظر نخبگان این حزب، ایجاد راه حل برای چالش‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به عهده دولت‌های ملی است و ترکیه قصد دارد تا از طریق سیاست خارجی، نقشی محوری در امنیت و رفاه بین‌المللی داشته باشد. متاثر از این نگرش، سیاست خارجی ترکیه بعد از ۲۰۱۲، بر درک بهتر از واقعیت‌های قرن جدید و مطابق با موقعیت تاریخی و ژئوپلیتیکی خود استوار شد. «بر اساس اظهارات، سخنرانی‌ها و نوشته‌های نخبگان حزب عدالت و توسعه مانند عبدالله گل<sup>۱</sup>، اردوغان، احمد داوود اغلو و علی بابا جان<sup>۲</sup> معاون رئیس‌جمهور، هفت نقش در سیاست خارجی ترکیه از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۲ تعریف شده است: رهبر منطقه‌ای، محافظ منطقه‌ای، نقش مدل، نقش پل، نقش واسطه، آزادکننده و مدافع اسلام.» (Zaarour, 2018: 16)

<sup>1</sup> Abdullah Gül

<sup>2</sup> Ali Babacan

از منظر نخبگان این کشور نقش «رهبر منطقه» به «دو عنصر سازنده هویت جدید ترکیه در خاورمیانه» اشاره دارد، نخست؛ به عنوان میراث دار امپراتوری عثمانی، و دوم؛ ترکیه جدید توسعه یافته. (Bulent and Gorener, 2010: 83) نقش «محافظ منطقه ای»، متأثر از جنگ سرد و به نقشی که ترکیه در آن به عنوان شریک قدرت های غربی حضور داشت، اشاره می‌کند. «نقش مدل»، بیانگر موفقیت ترکیه در موفقیت های اقتصادی و سیستمی سیاسی است که اسلام و دموکراسی را به عنوان «منبع الهام» با کشورهای اسلامی و عربی آشتی داد. «نقش پل»، ترکیه را به عنوان پلی و آغازگر گفتگو بین شرق و غرب می‌داند. از طرف دیگر، «نقش واسطه» به تلاش های میانجیگریانه ترکیه بین سوریه و اسرائیل قبل از ۲۰۱۰ و بین ایران و ۱ + ۵ (اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل و آلمان) در برنامه هسته ای ایران اشاره دارد (Ovali, 2018: 9-10). به علاوه، ترکیه از طریق ترویج و صدور ارزشهای لیبرال به همسایگان اسلامگرای خود و حمایت از خواسته‌های اجتماعی پس از بهار عربی، نقش «آزادسازی» را ایفا کرد. نقش «مدافع اسلام» مبین ادعای خلوص ایدئولوژیکی حزب عدالت و توسعه است که به ترکیه اجازه داد به نمایندگی از فلسطینیان صحبت کند، نماینده جهان اسلام در اروپا باشد و منحصر به فرد بودن اسلام را نشان دهد (Ovali, 2018: 12) نقش «همکار زیر سیستم منطقه - ای»، بیانگر تلاش ترکیه برای به عهده گرفتن نقش رهبری در «ایجاد یک فضای امنیتی منطقه‌ای با ثبات و همکاری جویانه در خاورمیانه» را برجسته می‌کند. نقش «همکار جهانی زیر سیستم» هم نشان دهنده مشارکت فعال ترکیه در ترتیبات جهانی و منطقه ای است؛ نقشی که به ویژه برای خاورمیانه مهم است. سرانجام، نقش «پل» پس از حملات ۱۱ سپتامبر آشکارتر شد. از نظر داوود اوغلو، ترکیه بازیگری فراتر از یک کشور است و نقش مهمی در تسهیل گفتگوی بین فرهنگی ایفا می‌کند. (Bulent and Gorener, 2010: 81)

### شکل‌گیری ناآرامی‌های عربی

شکل‌گیری ناآرامی عربی از یک سو و حذف داوود اوغلو از حوزه سیاست‌گذاری حزبی، لژ سوی دیگر، باعث شد تا ترکیه «از تمرکز بر نقش های ساخته شده از

ابزار قدرت نرم به نقش‌های سخت‌تر و نیازمند توانایی‌های مادی، تغییر جهت دهد (Ozdamar and Sula, 2014: 102). بنابراین نقش‌های واسطه، مدافع صلح و امنیت منطقه‌ای، همکار زیر سیستم منطقه‌ای، همسایه خوب و کشور تجارت، از آغاز بهار عربی و به دلیل درگیر شدن ترکیه در این تحول و روابط آشفته با سوریه کنار گذاشته شد. در نتیجه، ترکیه دیگر نتوانست به عنوان میانجی بین سوریه و اسرائیل عمل کند و روابط اقتصادی با سوریه به شدت کاهش یافت. از سوی دیگر، نقش‌های کشور مرکزی / محوری، کشور مستقل فعال، توسعه دهنده، مدل و محافظ مستضعفان از آغاز ناآرامی‌های عربی در گفتمان نخبگان حزب عدالت و توسعه برجسته‌تر شده است. بطوریکه در نقش «کشور مرکزی / محوری»، نخبگان حزب عدالت و توسعه، ترکیه را محور تمام مناطق مختلف، فرهنگ‌ها، اتحادها و روابط اقتصادی دانسته و در همان حال، تلاش ترکیه برای افزایش استقلال را از طریق تجارت و روابط دیپلماتیک، در نقش «یک کشور مستقل فعال» تفسیر می‌کنند. در همین چارچوب، نخبگان حزب عدالت و توسعه، سیستم سیاسی ترکیه را نمونه‌ای برای سایر کشورهای منطقه قلمداد می‌کنند. به علاوه، اقدامات ابتکاری ترکیه برای کمک به کشورهای در حال توسعه، تحت عنوان «نقش توسعه دهنده» برجسته می‌شود و حمایت آنها از حقوق فلسطینیان در غزه تحت محاصره اسرائیل، مبین نقش این کشور به مثابه «محافظ مظلوم» است. (Zaarour, 2018: 26) از سوی دیگر حمایت ترکیه از اسلامگرایان افراطی سنی در سوریه و همچنین سفر اردوغان به لیبی در سال ۲۰۱۱ و روابطش با رهبر شورای ملی انتقالی، همه نمونه‌هایی از نقش ترکیه به عنوان «برادر بزرگ» و «محافظ» بوده است. (Gurzel, 2014: 99)

### نتیجه‌گیری

سیاست خارجی ترکیه به دلیل مجموعه بحران‌هایی که این دولت در حوزه‌هایی مانند امنیت و هویت دارد، از پیچیدگی بالایی برخوردار است. در این مقاله، با استفاده از تحلیل پیوستگی جیمز روزنا به بررسی چرخش سیاست خارجی ترکیه پرداخت شده و مطابق با این الگو پنج دسته از عوامل تاثیرگذار در شکل‌گیری این

چرخش به ترتیب عبارتند از: عوامل بین‌المللی، فردی، جامعه، حکومتی و نقشی می‌داند. از منظر تحولات جهانی، شکل‌گیری جهان چند قطبی باعث گسترده شدن حوزه عملیاتی و استراتژیکی سیاست خارجی ترکیه شده است. بطوریکه می‌تواند بدون هماهنگی با قدرتهای غربی در حوزه‌های مختلف بویژه در حوزه خاورمیانه دست به اقدامات گوناگون بزند. از سوی دیگر، تحولات منطقه‌ای باعث شده تا ایدئولوژی تنش صفر، ناکارآمدی خود را نشان دهد و با تغییر فضای امنیتی ترکیه، این کشور سیاست عمل‌گرایی و نظامی‌گری را در پیش بگیرد. به نحوی که، سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه با بازگشت به گفت‌وگوها و سیاست‌های دهه ۱۹۹۰، با تمرکز بر تهدیدها، ذهنیت حاصل از بازی با حاصل جمع صفر و بی-اعتمادی، احاطه شده است. در این میان، آنچه نسبت به دهه ۱۹۹۰ متفاوت است، ایدئولوژی پشت این سیاست‌ها است. در حالی که عملیات نظامی ترکیه در شمال سوریه یا مدیترانه شرقی بیانگر تداوم فعالیت سیاست این کشور دهه ۱۹۹۰ است، روابط در حال توسعه ترکیه با شرکای عرب، به ویژه با قطر و اخوان المسلمین، همچنین سیاست آنکار در قبال مصر، امارات، عربستان سعودی و اسرائیل نشان دهنده خمیدگی ایدئولوژیک جدید است. تفاوت دیگر مربوط به روابط ترکیه و ایران است. اگرچه ماهیت رقابت بین دو کشور به طور عمده در سوریه تغییر یافته است، اما وجود منافع متقابل برای همکاری در برخی از زمینه‌ها، از رویارویی مستقیم جلوگیری می‌کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد بدون تغییر منافع امنیتی ترکیه و فضای استراتژیکی که به سرعت در حال تحول است، سیاست خارجی ترکیه نمی‌توانست مانند گذشته تغییر چشمگیری داشته باشد. در چارچوب وضعیت انفجاری منطقه‌ای که ترکیه از سال ۲۰۱۱ در آن قرار گرفته است، سیاست خارجی این کشور کمتر قابل پیش‌بینی، تجدیدنظرطلب‌تر و مبتنی بر مسئله (به معنای فقدان یک استراتژی کلی) شده است. به این معنا، ترکیه با تبدیل شدن به شریکی در اردوگاه ایران و قطر از یک سو و شریک کوچک روسیه از سوی دیگر، سیاستی عمدتاً منطقه‌ای را دنبال کرده است. همین امر از منظر اروپا و آمریکا، به عنوان دور شدن از غرب تفسیر می‌شود. به موازات این سیاست، ترکیه مشارکت با اروپا کاهش

داده، که این موضوع بیانگر آن است که ترکیه اتحادهای غیررسمی با محوریت «شرق» را با اتحادهای رسمی نهادینه شده با محوریت «غرب» جایگزین کرده است. درباره عوامل پنج گانه تاثیرگذار بر چرخش سیاست خارجی ترکیه باید گفت که از منظر فردی، ویژگی‌های شخصیتی اردوغان بویژه رویکرد اقتدارگرایانه او، همراه با پوپولیسم فزاینده، رنگ و شکل نویی به سیاست خارجی ترکیه داده و این تحول موجب تغییر روند سیاست خارومیانه ای ترکیه در راستای تحقق آرزوهای شخصی اردوغان به عنوان رهبر جهان اسلام و اولویت دیپلماسی شخصی به جای دیپلماسی عمومی و بهره برداری از محیط منطقه ای برای تعمیق مولفه های پوپولیستی در داخل شده و عناصر متناقض شخصیت اردوغان بر منافع ملی ترکیه تأثیر گذاشته است. از منظر نقشی، باید گفت که با باز تعریف نقش منطقه ای، سیاست خارجی این کشور از تاکید بر جنبه های نرم افزاری قدرت در خاورمیانه به نقش های سخت تر و نیازمند توانایی های مادی، تغییر جهت داده است. بطوریکه در گفتمان نخبگان حزب عدالت و توسعه، به جای عناصر قبلی، نقش های جدیدی با عنوان کشور مرکزی / محوری، کشور مستقل فعال، توسعه دهنده، نمونه و محافظ مستضعفان برجسته تر شده و همین امر در چرخش سیاست خارجی این کشور موثر بوده است. از منظر داخلی، تحولات اجتماعی ترکیه منجر به کاهش نقش نهادهای تاثیرگذار در امر سیاست گذاری بخصوص بعد از ۲۰۱۶ و تمرکز تدریجی قدرت در دست اردوغان شده است و همین امر، سیاست خاورمیانه ای ترکیه را به عرصه ای برای تسویه حساب بین نهادهای مختلف قدرت و همچنین احزاب سیاسی تبدیل کرد. به علاوه، حذف جریان گولنیستی باعث شد که ترکیه بسیاری از شبکه ها، اعتبارات و منافع را که تحت عنوان «مسئله صفر با همسایگان» به دست آورده بود، قربانی کند و به همین جهت نتوانست گروه های مبلغ برای ایجاد به نظم سیاسی «خاورمیانه جدید» به قدرت برساند. از سوی دیگر سطح جاه طلبی سیاست خارجی ترکیه نسبت به خاورمیانه به طور قابل توجهی تغییر یافت. بطوریکه از یک رویکرد اقتصادی همکاری جویانه غیرتهدیدآمیز به سیاست تهاجمی تر و به همان اندازه گسترده برای تحریک تغییر رژیم تبدیل شد. از



منظر حکومتی، تغییر رژیم پارلمانی به ریاستی باعث شد تا سیاست خارجی سنتی ترکیه، به ویژه جهت‌گیری غربی آن، تحت فشار اردوغان، که یک نقش بین‌المللی بزرگتر و قاطع‌تر برای ترکیه بخصوص به عنوان رهبر جهان اسلام متصور است، تضعیف شود و در مقابل، روند جدیدی در جهت جستجوی استقلال و موازنه دنبال شود. از سوی دیگر این تغییر نهادی در ترکیه سیاست خارجی این کشور را به آرزوهای شخصی اردغان تبدیل کرد و همین امر قابلیت بهره‌گیری از قدرت سخت، در دکتترین جدید سیاست خارجی این کشور را افزایش داد. بطور کلی یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در رده بندی مولفه‌های تاثیرگذار بر چرخش سیاست خارجی ترکیه، نقش تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای بیشتر بوده است. با این حال، تغییرات محیط خارجی و داخلی به طور توأمان در تغییر فهم‌نخبگان سیاست خارجی ترکیه از تحولات بین‌الملل موثر بوده و همین امر باعث در تحو چرخش سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه شده است.

## منابع

- باقری دولت‌آبادی، علی. (۱۳۹۸). «تبیین علل تغییر رفتار حزب عدالت و توسعه نسبت به کردهای ترکیه براساس نظریه پیوستگی جیمز روزنا»، *دوفصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل*، سال سوم، شماره ۵، بهار و تابستان، صص ۱۵۵-۱۲۷.
- برزگر، کیهان و مفیدی احمدی، حسن. (۱۳۹۳). تاثیر پذیری سیاست خارجی ترکیه از روند اروپایی شدن، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیست و هشتم، شماره ۴، زمستان، صص ۶۱۰-۵۹۱.
- دانش‌نیا، فرهاد؛ احمدیان، قدرت و هاشمی، مسعود. (۱۳۹۲). *هویت تاریخی، نوعثمانی‌گرایی و سیاست خارجی ترکیه*، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، شماره ۷، پاییز، صص ۶۰-۳۵.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و پوراسماعیلی، نجمیه. (۱۳۹۷). سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه: بنیان‌های محافظه‌کارانه، تجدیدنظرطلبانه و ایدئولوژیک، *فصلنامه روابط خارجی*، شماره ۲، تابستان، صص ۱۰۴-۷۵.
- دهقانی، رضا. (۱۳۹۱). سیاست خارجی ترکیه در فرایند عثمانی‌گری و نوخلافت اسلامی، *فصلنامه مطالعات جهان*، دوره ۲، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۲۷۹-۲۵۷.
- رسولی، الهام و سید محسن میرحسینی (۱۳۹۳). بررسی عوامل شکل‌دهنده به سیاست هسته‌ای

دولت اعتدال براساس نظریه پیوستگی جیمز روزنا، *فصلنامه راهبرد*، سال بیست و چهارم بهار، صص ۲۵۰-۲۳۵.

رینولدز، فیلیپ (۱۳۸۰). *شناخت اصول روابط بین الملل*، ترجمه جمشید زنگنه؛ تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

سیف زاده، حسین (۱۳۸۴). *مبانی و مدل های تصمیم گیری در سیاست خارجی*، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

هالستی، کی جی (۱۳۷۶). *مبانی تحلیل سیاست بین الملل*، ترجمه بهرام مستقیمی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

- Aslan, Ali(2019)“Türkiye İçin Başkanlık Sistemi: Demokratikleşme, İstikrar, Kurumsallaşma [A Presidential System for Turkey: Democratization, Stability, Institutionalization],” SETA, (Nisan 2015, retrieved April 14, from [http://file.setav.org/Files/Pdf/20150405220930\\_turkiye-icin-baskanlik-sistemi-demokra-tiklesme-istikrar-kurumsallasma.pdf](http://file.setav.org/Files/Pdf/20150405220930_turkiye-icin-baskanlik-sistemi-demokra-tiklesme-istikrar-kurumsallasma.pdf)
- Altunısik, Meliha Benli(2020) The New Turn in Turkey's Foreign Policy in the Middle East: Regional and Domestic Insecurities, <https://www.iai.it/en/pubblicazioni/new-turn-turkeys-foreign-policy-middle-east-regional-and-domestic-insecurities>
- .Aydin, M. (2004). Turkish Foreign Policy Framework and Analysis, [https://webcache.googleusercontent.com/search?q=cache:56OprKeeZagJ:https://www.researchgate.net/profile/Mustafa\\_Aydin13/publication/45666576\\_Turkish\\_Foreign\\_Policy\\_Framework\\_and\\_Analysis/inks/556d930c08aeccd7773c1881.pdf+&cd=2&hl=en&ct=clnk&gl=i](https://webcache.googleusercontent.com/search?q=cache:56OprKeeZagJ:https://www.researchgate.net/profile/Mustafa_Aydin13/publication/45666576_Turkish_Foreign_Policy_Framework_and_Analysis/inks/556d930c08aeccd7773c1881.pdf+&cd=2&hl=en&ct=clnk&gl=i)
- Aydin, S. (2014), ‘The Seesaw Friendship Between Turkey’s AKP and Egypt’s Muslim Brotherhood’, The Carnegie Endowment for International Peace, online: <http://carnegieendowment.org/2014/07/24/seesaw-friendship-between-turkey-s-akp-and-egypt-s-muslim-brotherhood-pub-56243> (accessed 3 March 2018)
- Barkey, Henri J.(2020) How Erdogan Muscled Turkey to the Center of the World Stage, <https://www.worldpoliticsreview.com/articles/29178/for-erdogan-turkish-foreign-policy-was-always-meant-to-be-assertive>
- Bahar Baser and Ahmet ErdiOzturk,(2017) Authoritarian Politics in Turkey: Elections Resistance and the AKP(London: I. B. Tauris),
- Bulent, Aras and Aylin Gorener.(2010) NationalRole Conceptions and Foreign Policy Orientation: The Ideational Bases of the Justice and Development Party's Foreign Policy Activism in the Middle East," *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*,12, no. 1
- 17.Can Sazak,salim and Kurc, Caglar.(2018 )From Zero Problems to Zero Friends? The Past, Present, and Future of Turkey’s Role in Regional

۲۵۰

پژوهش‌های  
روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره یازدهم،

شماره سوم، شماره

پیاپی چهل و دو

پاییز ۱۴۰۰

- Security Cooperation, Arab Regional Security, <https://tcf.org/content/report/zero-problems-zero-friends/?session=1>
- Duran, Burhanettin .(2020) “Why Is Turkish Foreign Policy Under Attack?”, in Daily Sabah, 22 February 2020, <https://www.dailysabah.com/columns/duran-burhanettin/2020/02/24/why-is-turkish-foreign-policy-under-attack>
- Duran, Burhanettin.(2020) “The Sole Axis of Turkey’s Foreign Policy”, in Daily Sabah, 11 February 2020, <https://www.dailysabah.com/columns/duran-burhanettin/2020/02/11/the-sole-axis-of-turkeys-foreign-policy>.
- Erwin van Veen Engin Yüksel.(2018)How domestic politics reverberated in Turkish foreign policy in the Middle East, <https://www.clingendael.org/pub/2018/too-big-for-its-boots/2-how-domestic-politics-reverberated/>
- Gurzel, Aylin.(2014) "Turkey's Role as a Regional and Global Power and its Power Capacity: Turkey's Engagement with Other Emerging States," *Revista De Sociologia e Politica*,22, no. 50.
- Haugom,Lars.(2019). Turkish foreign policy under Erdogan: A change in international orientation?, *Comparative Strategy* Volume 38, Issue 3.
- Holsti, K.J.(1970) "National Role Conceptions in the Study of Foreign Policy," *International Studies Quarterly* ,12, no. 3 (1970): 264.
- Ikenberry, G. John.(2017) “The Plot against American Foreign Policy: Can the Liberal Order Survive?,” *Foreign Affairs*, 96, no. 3 (2017): 2–9, <https://www.foreignaffairs.com/articles/usa/2017-04-17/plot-against-american-foreign-policy>.
- 26.Insight Turkey((2019) *Insight Turkey* , Vol. 21, No. 4 (Winter 2019), <https://www.insightturkey.com/issues/2019/21/4>.
- Kandil, H. (2016) “The Power Triangle: Military, security and politics in regime change, Oxford: OUP.
- Kirisci, Kemal.(2019) “TURKEY’S NEW PRESIDENTIAL SYSTEM AND A CHANGING WEST:IMPLICATIONS FOR TURKISH FOREIGN POLICY AND TURKEY-WEST RELATIONS, [https://www.brookings.edu/wp-content/uploads/2019/01/20190111\\_turkey\\_presidential\\_system.pdf](https://www.brookings.edu/wp-content/uploads/2019/01/20190111_turkey_presidential_system.pdf)
- Lukin, lexander(2016) “Russia in a Post-Bipolar World,” *Survival* 58, no. 1: 91-112, European Council on Foreign Relations, London, UK), [http://www.ecfr.eu/publications/summary/expanded\\_ambitions\\_shrinking\\_achievements\\_how\\_china\\_sees\\_the\\_global\\_order](http://www.ecfr.eu/publications/summary/expanded_ambitions_shrinking_achievements_how_china_sees_the_global_order).
- Lynch, M. (2016), *The new Arab wars: Uprisings and anarchy in the Middle East*, New York: Public Affairs.
- Neset,Siri&Strand,Arne(2019). *Turkish foreign policy: structures and decision-making processes*, available at: <https://www.cmi.no/publications/6854-turkish-foreign-policy-structures-and-decision-making-processes>
- tOğuzlu, H. Tarık(2020) *Turkish Foreign Policy in a Changing World*

- Order, All Azimuth ,V9, N1, 2020, 127-139
- Ovali, Şevket. (2018) "Decoding Turkey's Lust for Regional Clout in the Middle East, JOURNAL OF INTERNATIONAL AND AREA STUDIES, Volume 20.
- Ozgun Ozdamar and I. Erkam Sula.(2014) "From Good Neighbor to Model: Turkey's Changing Roles in the Middle East in the Aftermath of the Arab Spring," Uluslararası İlişkiler,11, no. 42
- 34.Rakipoğlu, Zeynep.( ۲۰۱۹)Cumhurbaşkanlığı Sözcüsü Kalın: Dünya, Avrupa'dan ve ABD'den daha büyüktür" [Presidential Spokesperson Kalin: The World Is Bigger than Europe and the USA], in Anadolu Agency, 3 March 2019, <http://v.aa.com.tr/1407898>.
- Rosenau, James, N. (1971), "The National Interest" in: Scientific Study of Foreign Policy, New York: The Free Press.
- .Rosenau, James N.(1996); "Pre-Theories and Theories of Foreign Policy"; in Barry Farrell (ed), Approaches to Comparative and International Politics; Evanston, IL: Northwestern University Press.
- 37.Sinan Ulgen,(2018). "Get Ready for a More Aggressive Turkey,"Foreign Policy, <https://foreignpolicy.com/2018/07/02/turkeys-foreign-policy-is-about-to-take-a-turn-to-the-right>.
- Tezcür, G. Murat. (2016) 'Historical and Contemporary Trends in the Turkish Political Party System', The AKP and Turkish Foreign Policy in the Middle East, Middle East Centre, Vol.5.6-12
- 40.Wilkins, Thomas.(2012) "Alignment', not 'Alliance' – The Shifting Paradigm of International Security Cooperation: Toward a Conceptual Taxonomy of Alignment," Review of International Studies ,38, no. 1.
- Ulgul,Murat.(2019) Erdoğan's Personal Diplomacy and Turkish Foreign Policy, Insight Turkey ,Vol. 21 / No. 4
- Yeşiltaş, Murat.(2020) SETA Security Radar, Turkey's Geopolitical Landscape .
- Yılmaz, zafer.(2020) Erdoğan's presidential regime and strategic legalism: Turkish democracy in the twilight zone, Southeast European and Black Sea Studies ,Volume 20, 2020 - Issue 2, <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/14683857.2020.1745418>
- Zaarour, Bernard.(2018) Turkish Foreign Policy Toward Syria After 2011: A New Regional Order and The Role of Political Islam, Harvard University. Altunışık, Meliha Benli. (2020). The New Turn in Turkey's Foreign Policy in the Middle East: Regional and Domestic Insecurities, <http://www.iai.it/sites/default/files/iaip2017.pdf>.